



فتنه

باطل شد

حاشیه ای بر ارتباط تنگاتنگ فتنه ۸۸ و قطعنامه ۱۹۲۹؛
فتنه گران ۸۸ و تحریم های فلج کننده؛ دو روی یک سکه!

جلوگیری از پیشرفت و حمله دشمن به کشور؛
بررسی سیر تحریم هایی که علیه ایران اعمال شد

درآمدی بر حماسه نهم دی و پیامدهای مربوط به آن؛

نهم دی و ادامه حیات نباتی فتنه گران سال ۸۸

بهره برداری جریان فتنه از موسسات مردم نهاد

به نام مردم به کام فتنه

تأملی در ریزش های جریان فتنه

بیداری دانشجویی در برابر ساختارشکنی خیابانی



حماسه نهم دی، تنها راه مبارزه! را در فحاشی و پیاوه گویی در فضای مجازی یافتند. با این حال، همه اینها به معنای تمام شدن فتنه نبود. فتنه گران زیادی به جز آنان که در حصر قرار گرفتند، با برخورداری از رافت نظام اسلامی پس از چندین ماه حمایت پیدا و پنهان از آشوب های خیابانی به زندگی عادی خود



در متن جامعه اسلامی ادامه دادند. بخشی از همان افرادی که با کمال وقاحت در طول ۸ ماه فتنه صهیونیستی به طرق مختلف از آن حمایت کرده بودند، حالا سعی دارند با ماله کشی بر اقدامات تنگین خود زمینه فعالیت در عرصه سیاسی کشور را فراهم نمایند. این جماعت مذبذب حالا به همان امامزاده ای دخیل بسته اند که تا دیروز بر ضریح آن سنگ می زده اند و عجیب آنکه توقع دارند نظام اسلامی زمینه فعالیت سیاسی آنان را نیز فراهم کند! سوال این است که آیا فعالیت سیاسی مجدد چنین افرادی نتیجه ای جز ادامه خیانت های آنان به منافع ملی و آرمان های امام راحل(ره) و نظام جمهوری اسلامی را در بر خواهد داشت؟

در این میان اما هستند افرادی که خود یکی از پایه های اصلی شکل گیری فتنه ۸۸ بوده اند و اکنون نیز در نقش آوانگارد و هدایت کننده اصلی فتنه های جدید نقش آفرینی می کنند. افرادی که قصد دارند

درآمدی بر حماسه نهم دی و پیامدهای مربوط به آن؛ نهم دی و ادامه حیات نباتی فتنه گران سال ۸۸

و فتنه گر انتخابات نیز با مشاهده حجم اقدامات ضدملی و ضداسلامی فتنه گران و سرکردگان آنان، در حمایت از نظام اسلامی و ارزش های آن تردیدی به خود راه نداده، به اقبانوس خروشان ملت ایران در حمایت از نظام اسلامی پیوستند.

کار تا آنجا پیش رفت که سایت صهیونیستی بالاترین در یکی از تحلیل های خود نوشت: «آقای موسوی با چه زبانی به شما بگویم از اسلام و خمینی دم زنیید؟ شما از یک طرف می گوید رهبر جنبش سبز نیستید و از طرف دیگر بیانیه از همین جایگاه صادر می کنید و مکرراً اسلام رحمانی و آرمان های امام و... را تکرار می کنید. آیا شما می دانید دموکراسی با مفاهیمی مثل اسلام و خمینی و انقلاب هیچ سنخیتی ندارند. آیا شما می دانید اکثر سبزه های طرفدار دموکراسی، افراد سکولار و لائیک هستند که با تمام وجود از اسلام (چه اسلام رحمانی و چه اسلام خشمانی) و خمینی و انقلاب اسلامی متنفرند؟ آیا شما می دانید طرفداران مذهبی جنبش سبز بعد از آن نماز جمعه خامنه ای به خانه هایشان برگشتند و این لیبرال ها و لائیک ها و چپ ها بودند که در تظاهرات ها شرکت فعال داشتند؟ همین جدا شدن و تمایز راه فتنه گران از راه مردم، در واقع به مثابه اصابت تیر خلاص بر پیکره آنها بود.

۹ دی که نماد بصیرت جامعه انقلابی ایران و پایبندی مردم به آرمان های اولیه انقلاب بود، همانطور که «بالاترین» گفته بود، نشان داد که تنها لائیک ها و افراد متنفذ از اسلام و ارزش های انقلابی به پای فتنه سبز مانده اند! جمعیتی محدود و متشتت که در پیگیری اهداف مغرضانه خود ناکام مانده، پس از

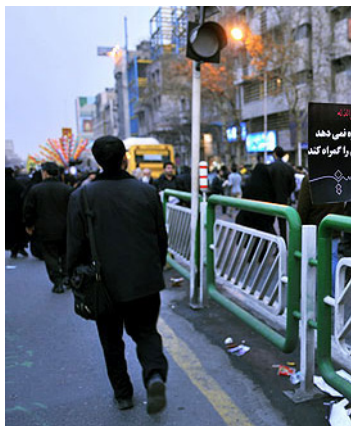
«مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز متمایزی شد... هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر می کند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را می بیند. این کارها کارهایی نیست که با اراده ای امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همان طور که امام در یک موقعیت حساسی - که من بارها این را نقل کرده ام - به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذِ باصیرت، آن مرد خدا. اینها بخشی از بیانات خودمانی و عاری از پیچیدگی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی درباره یکی از مهمترین حوادث تاریخ ۳۷ ساله انقلاب است! حادثه ای که در شرایطی سخت و طاقت فرسا بسیاری از معادلات سیاسی داخلی و بین المللی را تغییر داده، زمینه برون رفت نظام جمهوری اسلامی از زیر بار ضربات متعدد مزدوران داخلی و دشمنان خارجی در جریان یک جنگ تمام عیار را فراهم کرد.

طبیعتاً همانطور که رهبر فرزانه انقلاب بارها تأکید کرده اند، گذشت زمان ابعاد گسترده تری از زوایای پنهان فتنه آمریکایی-صهیونیستی سال ۱۳۸۸ را روشن خواهد نمود. واقعه ای که هنوز هم بسیاری از اسناد مربوط به آن به دلیل ملاحظات سیاسی-امنیتی قابل انتشار نبوده و بی شک یکی از مهمترین آزمون های طول حیات انقلاب اسلامی برای مردم و نخبگان کشور بوده است. روز نهم دی اما در این میان از برجستگی متمایزی برخوردار است. نهم دی همان روزی بود که بسیاری از رای دهندگان به کاندیداهای بازنده

با استفاده از سابقه نزدیکی و مصاحبت با امام(ره) رنگ موجهی بر اقدامات تفرقه انگیز خود در سطح جامعه زده، توجهی برای ادامه خط تقابل منافقانه با نظام جمهوری اسلامی و مردم غیور و مسلمان ایران بتراشند. رصد تحولات سیاسی کشور در ماه های اخیر نشان دهنده این واقعیت است که فتنه گران سال ۸۸ اکنون نیز تحت لوای پدرخوانده های قدیمی خود مشغول فعالیت قابل توجهی برای اثرگذاری بر فضای سیاسی-اجتماعی کشور هستند.

کسانی که سال ۸۸ با بی توجهی محض به تمام موازین قانونی کشور، زمینه قرار گرفتن کشور بر لب پرتگاه را فراهم کرده اند، بایستی از اینکه هنوز هم اجازه حضور و تنفس در فضای کشوری را که به آن خیانت کرده اند دارند، متعجب باشند، نه اینکه با وقاحت تمام خود را در موضع طلبکار از توده های میلیونی مردم و نظام اسلامی قرار داده و هر بار برای رد صلاحیت خود توسط شورای نگهبان در انتخابات، خط و نشان بکشند! سال ۸۸ مردم نهایتاً هدایت مسیر جریانات را به سمت و سویی خلاف خواسته های قلبی فتنه گران بردند. امروز نیز همان مردم و همان انگیزه ها وجود دارند و خواهند توانست در صورت نیاز، بارها و بارها حماسه نهم دی را تکرار کنند.

لذا اصحاب فتنه، سران، وابستگان و پدرخوانده های آنان هرگز در موضعی



نیستند که بخواهند برای نظام جمهوری اسلامی تعیین تکلیف نمایند. کسانی که امروز با سوء استفاده و قیحانه از رافت نظام اسلامی سعی دارند به ستون خیمه نظام و اصل ولایت فقیه حمله کنند، بی شک از توهم خودبزرگ بینی رنج می برند و در نهایت نیز طرفی جز ضایع و رسوا کردن خود نخواهند بست.

ختم سخن آنکه: مردم انقلابی ایران امروز بسیار هوشیارتر از مقطعی همچون دی ماه سال ۱۳۸۸ هستند و بار انقلاب را بر شانه های سترگ خود حمل می کنند و در برابر کسانی که بخواهند به هر نحوی موجبات تضعیف و استتاله انقلاب اسلامی را فراهم آورند، با قدرت خواهند ایستاد. لذا فتنه گران اگرچه هنوز هم زنده هستند، ولیکن تا مادامی که مردم انقلابی ایران هستند، چاره ای جز ادامه دادن به حیات نباتی و سمبلیک خود نخواهند داشت.



بهره برداری جریان فتنه از موسسات مردم نهاد

به نام مردم به کام فتنه

های رسانه ای، ساخت فیلم، تئاتر و کمپین های حضور زنان در ورزش گاه ها و نیز انتقاد از میزان پایین بودن حضور زنان در مناصب حکومتی بخش دیگری از پروژه نفوذ در قالب موسسات مردم نهاد است.

ایهالناس! من آدمیرال مولن، سازمان ملل و همه NGOs جهانی را به عنوان یگان های تحت امر خود، سازمان دهی کرده و به کار می گیرم. آیا شما در مورد امپراطوری میلیتاریستی و نظامی، که یک جزء آن سازمان ملل است، تردید دارید؟»

چندساله این گروه، باشگاه بوداپست بود که ۹ سال بعد در سال ۱۹۹۳ تاسیس شد. باشگاه بوداپست در سال ۲۰۰۴ شورای حکمت جهانی را تشکیل داد که در حوزه های تمدنی وارد شده و ۱۷ کمیته تخصصی دارد. از جمله رفاه و توانمند سازی زنان، آموزش در قرن ۲۱، سیاست معنوی و شهروند جهانی، معنویت و بوم شناسی عمیق، اخلاق و ارزش های جهانی، امنیت فردی و جهانی، گفتگوی بین ادیان و روابط درون دینی، بهداشت و سلامت جهانی، اسلام و غرب و ... این مجموعه می کوشد تا معنویت سرمایه داری را در ابعاد مختلف زندگی بشر وارد کند.

گروه های تخصصی این شورا از یک منظر با سازمان های مردم نهادی شناخته می شوند که در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای در حال توسعه شروع به کار می کنند. استفاده ای که در طول سال های پس از ۱۳۸۴ توسط جریان وابسته به سکولارها از سازمان های مردم نهاد در کشور شده است، از یک برنامه منسجم و طولانی مدت برای اهداف پنهان سیاسی و اجتماعی خیر می دهد. ترویج سبک زندگی لیبرال غربی و تلاش در جهت تغییر مدنی در ساختار قانون اساسی کشور از ماموریت های اصلی و بلندمدت این جریان محسوب می شود.

حسن عباسی در مورد ارتباط ماهوی این موسسات در سطوح بالایی خود با ساختار نظامی دولت آمریکا می گوید: «از منظر طرح ریزی استراتژیک، معنی غودار CMOC این است که ارتش آمریکا در هر منطقه ای از جهان که قصد انجام عملیات نظامی داشته باشد، یک چنین مرکزی ایجاد کرده و یکی از «یگان» های ارتش آمریکا، سازمان ملل متحد و نهادهای تابعه آن هستند. در واقع آدمیرال مولن (رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا)، در این سند با صدای بلند جار زده است که

اروین لازلو دانشمند مجارستانی فلسفه علم و دانش استراتژیک است. او صاحب نظریه سیستم ها نیز هست که بر اساس آن تاثیر هر چیزی از یک سازمان بر تمام اجزای آن قابل بررسی است و از این طریق می توان یک سیستم را که می تواند یک شهر، جامعه، تمدن و یا مذهب باشد تحت مدیریت درآورد. یکی از دغدغه هایی که در طول دهه های اخیر برای کنترل جهان از جانب نظام سلطه ایجاد شده است مقابله با موج معنویت خواهی در سطح جهان است. بر اساس مقاله ای که در شماره آبان ماه ۹۴ نشریه عصر اندیشه منتشر شده است جدی ترین حرکتی که برای ترویج معنویت هماهنگ با ارزش های نظام لیبرال سرمایه داری آغاز شد و توسعه یافت ۵ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت.

یک گروه پژوهشی تحت عنوان تکامل عمومی در سال ۱۹۸۴ توسط اروین لازلو از مقامات بلند پایه باشگاه رم و با حضور دانشمندانی از شرق و غرب جهان ایجاد شد تا از منظر آنها بی نظمی پدید آمده در جهان درک شود و راه مطلوب تغییر و تکامل شناخته شود. منظور از بی نظمی وقوع انقلاب های مذهبی در سطح جهان با هدف تحدید قدرت و موجودیت صهیونیسم بین الملل بود.

لازلو با ارائه تئوری تکامل عمومی (General Evolution) ادعا کرد تمام خلقت در حال تکامل است و انسان پس از تکامل جسمی و زیستی به تکامل شعوری (فرهنگی) دست می یابد. در نتیجه اگر آگاهی جهانی و شعور کیهانی در جهان فراگیر شود، انسان با یک جهش شعوری به تمدنی نو در عصر جدید خواهد رسید که به عنوان جهش بزرگ (Macroshift) مطرح شد.

جلسات گروه تکامل عمومی مخفیانه تشکیل می شد و سرانجام نتیجه بررسی های



روای های یهودی

یک تهیه کننده سینما از ساخت فیلمی با حضور آنجلینا جولی خبر داد. وسوسه فیلم ساختن با هالیوودی ها سینمای ایران را رها نکرده است

موسساتی که می کوشند از طریق سوءاستفاده از نقص هایی که در جامعه به طور طبیعی وجود دارد، طرح هایی را به عنوان جایگزین معرفی کنند که در نهایت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را با توسعه سکولاریستی تعویض نماید. ارتباط ساختاری این موسسات با بخشی از بدنه دولت ها هم به تدریج فعالیت های آنها کمک می کند.

دعوت هایی که از چهره های نظیر پیتر آیزمن و رونی کلمن برای سفر به ایران در دولت روحانی صورت گرفته و شایعه حضور آنجلینا جولی در سال ۹۰ در ایران و خبر رایزنی یک تهیه کننده داخلی با او برای ساخت یک فیلم ایرانی، نمونه ای از فعالیت های گروه های مردم نهاد برای استفاده از بسترهای ترویج سبک زندگی لیبرال است. دفاع از حقوق زنان با استفاده از فعالیت



تأملی در ریزش های جریان فتنه

بیداری دانشجویی در برابر ساختار شکنی خیابانی

جریان تندروی اصلاح طلب در سال ۸۸ که قبل و پس از انتخابات قصد داشتند تا فضای کشور را بغیر آلود کنند و از این طریق به اهداف شوم خود درباره ارزش های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی دست یابند، با گذشت زمان نتوانستند مشت خود را بسته نگه دارند و این امر باعث شد که همراهان آنها در جریان فتنه از دور هسته اصلی این جریان کنار روند و آنها را تنها بگذارند. راهپیمایی ۲۵ خرداد در روز دوشنبه بعد از انتخابات شاید سران فتنه را به توهم حمایت همه جانبه راهپیمایان از آنها دچار کرد و به نظر می رسد همین توهم علت اصلی اقدامات نامعقول و ساختار شکن آنها بود که در نهایت منجر به خراب شدن همه پل های پشت سر آنها شد. با کم شدن تدریجی راهپیمایی خیابانی فتنه گران در مناطق شمالی تهران، سران فتنه استفاده از مناسبت های تاریخی انقلابی را برای دعوت از هواداران انتخاب کردند.

اولین مورد و اولین فراخوان برای روز قدس در تابستان سال ۸۸ انجام شد ولی این انتخاب ناشایانه کمک شایانی برای روشن شدن ماهیت جریان فتنه کرد به گونه ای که افتضاح حواشی راهپیمایی روز قدس در تهران و شعارهای مطرح شده در این روز، سران فتنه را در سردرگمی اتخاذ استراتژی در مواجهه با آن قرار داد. مردم که هر ساله در راهپیمایی روز قدس در حمایت از مردم مظلوم فلسطین شعار «القدس لنا» سر می دادند، آن سال چند صد نفری را در خیابان ها مشاهده کردند که شعار «نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران» سر می دادند و «افتضاح بطری آب» در روز قدس را شاهد بودند. در حالیکه مردم هر ساله با زبان روز به راهپیمایی این روز می آمدند، در این روز فتنه گران بطری های آب به دست، عمق اعتقادات دینی و انقلابی خود را به معرض نمایش گذاشتند و نشانه ای دیگر از دروغ بودن

شعارهای پیروی از راه امام خمینی را نشان دادند. اما فتنه گران از این افتضاح درس نگرفتند و تاریخ بعدی که برای بروز خود در خیابان در نظر گرفته بودند روز ۱۳ آبان، روز دانش آموز بود. یکی از سران فتنه بیانیه ای پیش از این روز صادر کرد و با کمی دقت در محتوای آن می شد پی برد که او به نحوی تلاش کرده که قشر جوان را تحریک کند تا با شبیه سازی کاریکاتوری از ۱۳ آبان ۵۸ اقدامی برای ضربه به نظام کنند. وی در بیانیه خود حتی برای حفظ ظاهر هم هیچ اشاره ای به محتوای این مناسبت بزرگ یعنی فتح جاسوس خانه آمریکا و برملا شدن اسناد جاسوسی اعضای گروهک هایی نظیر نهضت آزادی، جبهه ملی، جنبش خلق مسلمان... نکرد و این در حالی بود که اغلب گروهک های یاد شده، چه آنها که اعضایشان در داخل کشور هستند و چه آنها که از کشور گریختند مشخصاً از اقدامات خیانت آمیز و ضدانقلابی فتنه گران مکرراً حمایت می کردند. اما این روز راهپیمایی ۱۳ آبان با حضور پر رنگ دانش آموزان، دانشجویان و اقشار گوناگون مردم همراه بود، هر چند در این میان، گروههایی نیز شعارهای سیاسی سر می دادند که باعث برخی تنش ها میان آنها و نیروهای حفظ نظم کشور شد، با این همه در ۱۳ آبان مردم بار دیگر نشان دادند که هنوز مانند گذشته پایبند آرمان های بنیان گزار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) هستند و از ولایت فقیه خود پشتیبانی می کنند و چیزی که به وضوح مشهود بود کاهش تعداد افراد فتنه گر حاضر در میدان به نسبت افراد حامی در روز قدس بود.

پس از ۱۳ آبان بررسی وب نوشت ها و اخبار و مطالبی که در سایت های وابسته به سران فتنه منتشر می شد، حکایت از تدارک آنان در راه اندازی موج دیگری در آستانه ۱۶ آذر پس از ناکامی و شکست آنان در تحریک اندک همراهان باقیمانده خود در ۱۳ آبان داشت. این در حالی بود که رهبر معظم انقلاب در ۱۵ آذر و به مناسبت عید سعید غدیر در جمع اقشار مردم، با اشاره به فعالیت های تبلیغاتی - سیاسی بیگانگان «باید متوجه بود که دشمن چگونه از هر کلمه و کاری که بوی تفرقه بدهد، سوءاستفاده می کند و جری می شود»، ایشان در همین زمینه خاطرنشان کردند: «عده ای باید پیش خدا جواب بدهند از اینکه کاری کنند که دشمن از آن، وجود اختلاف در کشور را برداشت کند و گستاخ شود.» رهبر انقلاب در پایان ضمن تأکید مجدد بر صبر و بصیرت ملت ایران در برابر مسایل مختلف، عنوان کردند: «ملت صبور ایران، تبلیغات و هیاهوی بیگانگان را همچون گذشته نادیده می گیرد و با کمک الهی و همت جوانانش، راهی را که امامراحل عظیم الشان به او نشان داده است، با هوشیاری و بصیرت ادامه می دهد.»

در نهایت تلاش این دفعه فتنه گران برای ملتهب کردن فضای دانشگاه در روز دانشجو، که از ماه ها پیش برنامه ریزی شده بود، با وجود سازماندهی گسترده فتنه گران و صدور بیانیه های مختلف از جانب این جریان، با حضور گسترده دانشجویان در دانشگاه تهران و برگزاری برنامه سالپایانه روز دانشجو، ناکام ماند. در طی این روز جریان فتنه با بیان شعارهای ساختار شکنانه و توهمین به نهاد های انقلابی و رییس جمهور قانونی کشور سعی در ایجاد آشوب و بهره برداری از آن داشت، در حالی که جریان پیرو خط ولایت و حامیان آنهایی که با شعار هایی نظیر «استقلال،

نظام جمهوری اسلامی با وجود آنکه تعدادشان چندین برابر فتنه گران بود، بنا بر فرمایشات رهبری سعی در حفظ آرامش داشتند. در نهایت به علت عدم حمایت از این جریان توسط دانشجویان و مایوس شدن طرفداران جریان فتنه از ایجاد آشوب، مجبور شدند تا با یک اقدام انتحاری نقلاب از صورت برانداختن و عمق کینه خود را به ارزش های انقلاب اسلامی نشان دهد و با پاره نمودن عکس معمار کبیر انقلاب اسلامی عملاً خود به افتضاح خود به امام ستیزی را بر خلاف شعار هایشان نمایان کردند. در پی توهمین به بنیانگذار انقلاب اسلامی، سران فتنه به جای محکوم کردن این عمل زشت و جدا کردن حساب خود از عاملان آن سعی در پاک کردن صورت مساله داشتند.

پس از حوادث ۱۶ آذر و توهمین به امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با هزاران نفر از طلاب و اساتید حوزه های علمیه باز هم در مقابل فعالیت های سران فتنه، با خویشتن داری، ملت را به «داشتن بصیرت» و «پرهیز از ایجاد آشوب» دعوت کردند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر این که اساس کار دشمن فتنه سازی است و اساس کار ما باید ایجاد بصیرت باشد، تصریح کردند: «بعضی با قانون شکنی سعی کردند مردم را به اقدام علیه نظام تشویق کنند و نتیجه قانون شکنی ها این شد که دشمن نا امید، جان بگیرد و به عکس امام اهانت شود. در قضایای اهانت به امام (ره)، مردم خشمگین شدند اما باید آرامش خود را حفظ کنند.» ایشان خاطرنشان کردند: «من هیچ اصراری به دفع افراد ندارم اما بعضی اصرار دارند که دفع شوند و یک اختلاف داخلی را تبدیل به مبارزه با نظام کنند.» رهبر انقلاب اسلامی در ادامه فلسفه بافی های فتنه گران بعد از خطاهای مکرر را عامل اصلی غبارآلود شدن فضا دانستند و تأکید کردند: «عده ای با شعار طرفداری از قانون، عمل خلاف قانون انجام می دهند، این عده شعار طرفداری از امام می دهند، اما کاری می کنند که نسبت به امام (ره) چنین گناه بزرگی انجام شود و دشمنان با خوشحالی براساس این اقدامات، تحلیل کنند و بعد هم بر ضد مصالح ملی و ملت ایران، تصمیم بگیرند. مشکل اصلی همین حرف ها و عمل های فربکارانه و غبارآلودگی فضا است. آن کسی که برای اسلام، انقلاب، و امام کار می کند، به محض اینکه ببیند، حرف و حرکت او موجب ایجاد جهت گیری بر ضد اصول شده، بلافاصله متنبه می شود و مسیر خود را اصلاح می کند. اما چرا این آقایان متنبه نمی شوند؟»

با گذشت وقایع ۱۶ آذر و نزدیک شدن به روز عاشورا، تلاش شوم پیاده نظام ضد انقلاب در حرمت شکنی عاشورای حسینی در تهران، افکار عمومی داخلی را متأثر و دشمنان دیرینه نظام اسلامی را شاد کرد. در ظهر روز عاشورای تهران دو جریان به خیابانهای تهران آمده بودند، یکی به عشق حسین (ع) و دیگری برای اهانت به امام حسین (ع). محرک گروه اول، عشق به حسین (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) بود که در خون ایرانیان جریان دارد و محرک گروه دوم، شبکه های ماهواره ای و اینترنتی از لندن و واشنگتن و لس آنجلس.

آنهايي که با شعار هایی نظیر «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی» عملاً اسلام ستیزی خود را نمایان کرده بودند، این بار با سوت و کف زدن در ظهر عاشورا و در حالی که ملت ایران به عشق امام حسین (ع) به سر و سینه می زدند و در مظلومیت شهیدان کربلا می گریستند، تفکرات غربی و ضد اسلامی خود را بیش از پیش نمایان کردند. پس از این هتک حرمت بود که یکی از سران فتنه و مهره مورد علاقه و حمایت غرب، با انتشار بیانیه ای به حرمت شکنان روز عاشورا لقب «مردم خداجو» داد (!). آنچه که در کنار اشتباهات محاسباتی و جاهلانه فتنه گران منجر به تشدید رویکردانی مردم از آنها شد، حمایت های مکرر دولت های مستکبر غرب از فتنه گران بود. دولت اواما و آشوب طلبان در این روز اعلام کرد و اغتشاش گران و آسیب زندگان به اموال عمومی را افرادی نامید که به دنبال حقوق جهانی خود بودند. وزیر امور خارجه وقت دولت انگلیس نیز با حمایت از اغتشاشات در ایران، تجمع روز عاشورا را «عظیم» (!) خواند و حمایت صریح خود از این هتاک را اعلام کرد. در همین راستا وزارت خارجه فرانسه پس از حوادث عاشورای حسینی، طی بیانیه ای عنوان کرد: «ما از شجاعت و شهامت مردم ایران استقبال می کنیم و بازداشت تظاهرات کنندگان را که برای دفاع از آزادی بیان و دموکراسی آمده اند، محکوم می کنیم.»

اما مشخص بود که نمی توان خورشید حقایق را در پشت غبار بیانیه ها و حمایت های رسانه ای دولت های غربی تا ابد پنهان کرد. هواداران اولیه فتنه گران که با دیدن بی حرمتی به شان در ظهر عاشورا که نماد مظلومیت امام حسین (ع) بود، در روز نهم دی ماه چنان راهپیمایی عظیم را تدارک دیدند که راه را برای هرگونه حرکت و صحبت دیگری از جانب سران فتنه بست. در واقع شعارهایی که مردم در این روز در سراسر ایران اسلامی سر می دادند نه تنها بیانگر انزجار آنها از فتنه گران بود بلکه نشان دهنده حمایت آنها از نظام مقدس جمهوری اسلامی و نمادی از ولایت مداری مردم ایران بود. پس از این حماسه عظیم رهبر انقلاب در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم قم، حضور عظیم تعیین کننده ملت مؤمن، با بصیرت و با غیرت ایران را در راهپیمایی سراسری ۹ دی ماه، «تجلی دست قدرت خدا» و «حرکتی ماندگار در تاریخ انقلاب» خواندند و گفتند: «سلطه گران و جریان های ضد دین که امروز در شرایط غبارآلود فتنه در مقابل نظام و انقلاب شعار می دهند همان کسانی هستند که سال ها زیر پرچم مبارزه با امام و انقلاب صف آرایی کرده بودند و مردم نیز با درک همین شاخص و حقیقت، حضور تعیین کننده خود را در حفظ نظام و انقلاب، بار دیگر ثابت کردند.»

و اینگونه مردمی که سال ها پیش به عشق حسین (ع) و با رهبری مردی از تبار او توانستند طومار رژیم فاسد پهلوی را که مورد حمایت همه جانبه غرب بود، برچینند، اینک نیز به یاد حسین (ع) و مظلومیت او در ظهر عاشورا، علی زمان خود را تنها نگذاشتند و باز هم طومار فتنه ای را برچیدند که مورد حمایت همه جانبه دولت های غربی بود. ملت ایران نشان دادند که تا ظهور امام زمان (عج) و سپردن این ولایت به او از نایب بر حقیقت و انقلاب اسلامی حمایت می کنند.



بانیان تحریم
نگاه ناخوشون

حاشیه ای بر ارتباط تنگاتنگ فتنه ۸۸ و قطعنامه ۱۹۲۹
فتنه گران ۸۸ و تحریم های فلج کننده؛ دو روی یک سکه!

عصر کنونی را عصر انفجار اطلاعات نامیده اند. آخرین تحقیقات و پژوهش های دانشمندان علوم ارتباطات نشان می‌دهند که در آینده اندوخته‌های اطلاعات علمی بشر رشد خواهد کرد و اطلاعات به مقادیر بیشتری تولید خواهد شد. به گونه‌ای که دانشمندان دیگر نخواهند توانست بگویند چه چیزی را می‌دانند و چه چیزی را نمی‌دانند! هر چه هست، ما امروزه در دنیای پیچیده ای زندگی می‌کنیم. دنیایی که بزرگترین دولت های جنگ افروز دنیا هر روز سنگ حمایت از حقوق بشر، دموکراسی، صلح، نועدوستی و فرهنگ را بر سینه می‌زنند. آنها همزمان خود برندگان جایزه صلح نوبل را تعیین می‌کنند و در عین حال، فیلم صلح دوست «محمد» را از رقابت اسکار کنار می‌زنند. فرهنگ، سیاست، اقتصاد و همه چیز به صورت شگفت آوری در هم آمیخته، همگی در خدمت اهداف مائزپالیستی غرب درآمده است. طبیعتاً وارونه نمایی حقایق در چنین فضایی، یکی از نتایج عصر انفجار اطلاعات به شمار می‌رود. در دنیای کنونی، این ما نیستیم که فکر می‌کنیم، بلکه این رسانه‌ها هستند که به ما می‌گویند چگونه فکر کنیم. لذا هر کس رسانه بیشتر و قوی‌تری در اختیار داشته باشد، الزاماً درصد بیشتری از جهانیان را با افکار و اعمال خود همراه خواهد نمود.

تأثیر امواج رسانه ای غرب در کشور با فرهنگ و ریشه داری چون ایران نیز قابل توجه است. اگرچه این گزاره را نمی‌توان مطلق تلقی نمود. ولیکن غرب در متن جامعه ایران متاسفانه تنها نیست و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همیشه برای خود بلندگوهای مهمی داشته است. لذا راست نمایی دروغ های غربی در متن جامعه ایرانی را نباید چندان شگفت انگیز تلقی کرد. دروغ پردازی در زمینه پرونده هسته ای ایران، بی شک یکی از معروف ترین و مهم ترین طنزهای تلخ و گزنده روزگار ماست. این مسئله را می‌توان از ابعاد مختلفی مورد بررسی و کنکاش قرار داد. با این وجود؛ تلاش ما در این مجال پیرامون افشا نمودن دروغ معروف و حقیقت نمایی، به نام دوگانه «پرونده هسته ای-تحریم اقتصادی» شکل خواهد گرفت. ارتباط دادن این دو موضوع به یکدیگر همان قدر مزخرف و خنده دار است که تصور کنیم آمریکا و دولت های غربی تنها برای برقراری دموکراسی، به عراق-دوست قدیمی شان صدام- حمله کرده اند. آن هم با اورانیوم ضعیف شده و بمب های چند تنی!

باور این دروغ بزرگ و ترویج آن، نه تنها جامعه را به عمق واقعیات موجود در صحنه سیاست بین الملل نخواهد رساند که خود نوعی توهین گزنده و آشکار به شعور مخاطب تلقی می‌شود.

واقعیت آن است که تقابل جمهوری اسلامی و غرب، اساساً دارای مبانی عمیق ایدئولوژیک-و نه تکنولوژیک، هسته ای یا نظامی و غیره- و از جنس تقابل غرب با رژیم شوروی سابق است. بحث پرونده هسته ای، موشکی، حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق همجنس بازان، آزادی بیان و مطبوعات و غیره همگی نقل و نبات همین جشن کلی و بنیادین هستند. شما به عنوان یک فرد عادی-و نه یک دیپلمات غربی متبحر در دروغگویی- نیز می‌توانید صدها و بلکه هزاران موضوع دیگر را نیز به فهرست پیش گفته اضافه کنید. تقلیل سطح تعارض ایران و آمریکا به مسائلی همچون هسته ای و یا هر موضوع ثانویه دیگر، نتیجه ای جز سطحی شدن جامعه و سردرگمی مخاطب در مسیر تحلیل رویدادهای صحنه سیاست بین المللی و البته داخلی را در پی نخواهد داشت. در این میان، تحلیل ارتباط شکل گیری رژیم تحریم های سخت و بی سابقه اقتصادی بر علیه جمهوری اسلامی ایران و شکل بود،مطالعات تحقیقی مفصّل انجام شده در این زمینه، ارتباط تنگاتنگ و مستقیم این دو پدیده با یکدیگر را به روشنی اثبات نموده است

ما در این مجال سعی خواهیم کرد در حد فرصت موجود در این نوشته، به واکاوی مجدد این واقعیت تلخ بپردازیم. رژیم تحریم‌های فعلی ایران، ریشه در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت دارد که ۲۵ خرداد ۱۳۸۹ (ژوئن ۲۰۱۰) صادر شد. همان تحریم هایی که مقامات غربی بارها از آن با عنوان تحریم گزنده و فلج کننده یاد کرده و می‌کنند. درواقع تمام تحریم‌های یکجانبه‌ای که اکنون به‌عنوان تحریم‌های مؤثر علیه ایران از آنها یاد می‌شود (تحریم‌های انرژی و مالی) در واقع براساس زیرساخت حقوقی که در این قطعنامه ایجاد شد، اعمال شده است. دولت اوپاما در حالی تصمیم به تصویب و اجرای چنین تحریم های بی سابقه ای بر ضد یک کشور عضو سازمان ملل می‌گرفت که با شعار «تغییر» بر سر کار آمده بود. زیبنگیو برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا که توصیه های وی نقش مهمی در پیروزی اوپاما در انتخابات آمریکا داشت، آبان ماه سال ۱۳۸۷ در گفتگو با مجله آلمانی «اشترن» در پاسخ به این سوال که آیا اوپاما رئیس جمهور یک ابرقدرت رو به زوال است؟ گفته بود: «واقعیت این است که دوران حماقت ابرقدرتی آمریکا به پایان رسیده است، درباره ایران و برنامه هسته‌ای ایران نیز ما به رویکرد واقع‌گرایانه، منعطف‌تر و منطقی‌تر نیازمندیم.

ما باید مذاکره کنیم؛ ما ممکن است حتی بدون پیش‌شرط مذاکره کنیم. رویکرد موفقیت آمیز برای ایران باید با منافع امنیتی تهران و واشنگتن منطبق باشد.» با شروع اغتشاشات خیابانی در ایران اما ورق به کلی برگشت. اوپاما که نمی‌خواست فرصت به وجود آمده برای ضربه زدن به رقیب سنتی آمریکا را از دست بدهد، تغییرات قابل توجهی در ادبیات خود نسبت به ایران ایجاد نمود. گویی او دوست داشت نیامده، به کلی سیاست «تغییر!» خود را از یاد ببرد. همگام با مواضع دولتمردان آمریکا، کنگره این کشور نیز به اقداماتی بر علیه ایران دست زد. درست چند روز پس از انتخابات، کنگره و سنای آمریکا قطعنامه‌های شدیدالحنی بر ضد ایران و حمایت از آشوبگران صادر کردند و در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۸ (۲۰ جولای ۲۰۰۹)، مجلس سنای آمریکا تحریم شرکت‌های صادر کننده بنزین

به ایران را تصویب کرد. اوپاما و دولتش شاید هم واقعاً به سیاست تغییر خود عمل کرده بودند! با این تفاوت که مشی اولیه و اعلامی خود در قبال ایران را تغییر داده بودند، نه چیز دیگری!! با این حال؛ هنوز نوبت به اعمال تحریم های فلج کننده نرسیده بود. دستگاه حاکمه آمریکا آنگونه که هیلاری کلینتون در کتاب خاطرات خود آورده است، ابتدا در زمینه تعیین نوع برخورد با فتنه ۸۸ تا اندازه ای سردرگم بوده است. با این حال؛ رایزنی های مخفیانه در بالاترین سطح، نهایتاً به سرانجام رسید. بهار ۸۹ با اوج گرفتت بحث‌ها درباره ضرورت اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران در اروپا و آمریکا آغاز شد. این مقطع زمانی دقیقاً مطابق با زمانی است که جریان فتنه تقریباً به طور کلی قدرت مانور خود در سطح کشور را از دست داده است. تحرکات محدود و مضحک اهالی فتنه در چهارشنبه آخر سال ۸۸، نشان دهنده اوج ریزش اجتماعی جنبش سبز در سطح ایران بود، لذا هیئت حاکمه آمریکا به این نتیجه رسیده بود که باید با اعمال تحریم هایی شدید و بی سابقه، تنها شانس خود برای حمایت از دوستان وفادار خود در داخل ایران را از دست ندهد.

در این زمینه گزارش جی سالمون، خبرنگار امور ایران در روزنامه وال‌استریت ژورنال قابل توجه است. این روزنامه ۲۰ نوامبر ۲۰۰۹ می‌نویسد طی بازدید مخمبلیاف از واشنگتن: آقای مخمبلیاف که سخنگوی کاندیدای ریاست جمهوری ایران میرحسین موسوی است به اوپاما پیام داده است پشتیبانی علنی خود را برای نیروهای دموکراتیک در ایران افزایش داده و به فشارهای مالی بر سپاه بیفزاید. آقای محسن مخمبلیاف اعلام کرده است جنبش سبز ایران از تحریم‌های اقتصادی هدفمند پشتیبانی می‌کند. وال‌استریت ژورنال، به نقل از مخمبلیاف می‌نویسد: «ما به تحریم‌های اقتصادی که فشار را بر ایران زیادتیر می‌کند محتاجیم. ما می‌خواهیم اوپاما بگوید او پشتیبان دموکراسی است. اگر چنین نگوید طرفداران خود را در ایران از دست خواهد داد.»

سفر مخمبلیاف که در اواخر سال ۱۳۸۸ انجام گرفته است مؤثر می‌افتد. روز ۱۴ فروردین سال ۸۹ اوپاما در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی CBS آمریکا می‌گوید: «همه مدارک نشان می‌دهد تهران در تلاش برای دستیابی به توان تسلیحات هسته‌ای است. اوپاما گفت: ایران با چنین توانایی‌ای می‌تواند زندگی را در خاورمیانه بی‌ثبات کند و رقابت تسلیحاتی را در منطقه به راه اندازد. وی نتیجه گرفت: «من فکر می‌کنم ایده کنونی ادامه افزایش فشارهاست.» قبل از آن اما، هاوارد برمن، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، یک هفته پیش‌تر، در سخنرانی در صحن مجلس گفته بود: «ما به شدیدترین تحریم‌ها و در سریع‌ترین زمان ممکن نیاز داریم.» خیلی زود اروپایی‌ها هم وارد صحنه شدند و به‌عنوان نمونه آنکلا مرکل صدراعظم آلمان گفت روی قید زمانی زود برای اعمال تحریم‌ها تاکید دارد. مجله تایم در گزارشی که پس از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ منتشر کرده است، درباره اهداف آن نوشت: «اگرچه تحریم‌ها چندان مؤثر نبوده‌اند، اما دولت اوپاما امیدوار است اقدامات جدیدی که منافع طبقه حاکم ایران را هدف قرار داده، منجر به بروز شکاف عمیقی میان مردم و حاکمیت شود. بویژه که جنبش مخالفان درصدد است از معضلات رو به افزایش اقتصادی، برای فربه‌تر کردن و منسجم‌تر ساختن بدنه مخالفان رژیم بهره بگیرد و این چالش را تبدیل به فرصت کند.» همزمان جان لیمربر،

مقام مسؤول میز ایران در وزارت خارجه آمریکا که در واقع مسؤول پرونده ایران در دولت این کشور محسوب می‌شد، اظهار داشت: «مسأله این نیست که مردم ایران ضرر بکنند، هدف از این اقدامات حمایت از مردم ایران است و تحریم‌ها به کسانی که با مردم ایران با خشونت و از طریق غیرانسانی رفتار می‌کنند ضرر می‌رساند و آنها را مجازات می‌کند، نه به خود مردم ایران.» استوارت لوی، معاون وقت وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی در همین زمینه گفته بود: مهم‌ترین اتفاقی که رخ داده این است که آمریکا تصور می‌کند تحریم‌ها با اوضاع سیاسی آشفته ایران ترکیب خواهد شد و این چیزی است که آمریکا به آن امید بسته است. هیچکدام از این اقدامات چندان اهمیتی ندارند، در عین حال اگر روند کلی را با توجه به افزایش انزوای سیاسی و وضعیت داخلی ایران تحلیل کنیم، این اقدامات می‌توانند بسیار مهم باشند.

هماهنگی اصحاب فتنه با دولت های غربی در زمینه اعمال تحریم های شدید اقتصادی اما محدود به زمان پیش گفته نمی‌شود. در همین زمینه، اعترافات محمدعلی ابطحی در (پس از دستگیری در فتنه ۸۸) در زمینه ترک ناگهانی میز مذاکرات هسته ای در مقطع پس از مذاکرات ژنو ۱ و تاخیر برگزاری ژنو ۲ به مدت یک سال قابل توجه است. ابطحی از قول مهدی هاشمی می‌گوید این اصلاح طلبان بودند که به اوپاما پیغام دادند تا زمان انتخابات ریاست جمهوری در ایران صبر کند و مطمئن باشد در این انتخابات دوستانش در ایران به جای دولت محمود احمدی‌نژاد سر کار خواهند آمد! نهایتاً اگرچه تحریم های جدید و فلج کننده بر ضد مردم ایران وضع شد، ولی فتنه سبز نه تنها احیا نشد که به زباله دان تاریخ رفت! دشمن اما گستاخ و گستاخ تر شد.

چندی بعد هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت آمریکا در مصاحبه با مجله آتلانتیک گفت: «آمریکا باید هرکاری می‌تواند در حمایت از کسانی که در ایران برای حقوق بشر و دموکراسی واقعی می‌کوشند انجام دهد. سپاه پاسداران اساساً مسؤول امور شده، بر ما واجب تر شده است که هر کاری می‌توانیم برای حمایت از کسانی که برای حقوق بشر و دموکراسی واقعی در ایران می‌کوشند انجام دهیم.» وی بعدها اظهار داشت: «اگر معترضان در ایران نیز مانند مردم لیبی از آمریکا درخواست کمک کنند، دولت آمریکا به کمک آنان می‌شتابد!» توهم و گستاخی آمریکایی‌ها اما به همین جا ختم نشد. کار تا آنجا پیش رفت که در آستانه برگزاری انتخابات مجلس نهم شورای اسلامی لئون پانتا وزیر دفاع آمریکا نیز وارد گود حمایت از فتنه گران شده اظهار داشت: «حمایت از فتنه سبز راهبرد اصلی آمریکا علیه ایران است به نظر می‌رسد دیر یا زود انقلابی در ایران به وقوع بپیوندد، آمریکا باید هر گام لازم را برای حمایت از جنبش سبز بردارد، جنبشی که خواهان تغییر و اصلاح است.» حال سوال اینجاست که افرادی چنین خائن و پلشت، که دست در دست دشمنان ملت حاضر می‌شوند زمینه اعمال شدیدترین فشارهای اقتصادی بر مردم را برای رسیدن به اهداف پست سیاسی خود فراهم کنند، چه حقی برای سهمیم بودن در آینده کشور خواهند داشت؟ آیا اینان صلاحیت آنکه مسئولیت چراندن یک الاغ به آنان سپرده شود را دارند؟ قضاوت با شما!

جولگیری از پیشرفت و هجمه دشمن به کشور؛

بررسی سیر تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال شد

اینکه می‌توان از گناه فتنه‌گران گذشت یا اینکه چرا نمی‌توان به آنها اجازه حضور دوباره در فضای سیاسی کشور را داد همه اش به بزرگی جرم و ظلمی که آنها در حق مردم و کشور انجام داده‌اند بر می‌گردد.

شد غرب آنقدر عرصه را برای انجام عملیات هایش باز ببیند که ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان را در همین دوره آغاز نماید تا بتواند ضربه‌ای سهمگین بر ساختار صنعت هسته‌ای کشور وارد آورد.

علاوه بر این می‌بینیم که تحریم‌ها و فرمان‌های اجرایی آنها شدت می‌گیرد و عمده این تحریم‌ها ساختار اقتصادی ایران را مورد هدف قرار می‌دهد دولت آمریکا از سال ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۲ نه فرمان تحریمی ویژه علیه ایران را صادر می‌کند که عمده آن مسائل اقتصادی ایران را در بر می‌گیرد و کنگره آمریکا شش تحریم علیه ایران به تصویب می‌رساند که در این میان قانون جامع «تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت ایران» (CISADA) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود چرا که شامل تحریم انرژی، بانک‌ها و فروش بنزین ایران می‌شود.

حتی به جرات می‌توان گفت که قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی که در سالگرد فتنه به تصویب رسید نتیجه خوش خدمتی فتنه‌گران به غرب بود در این رابطه آر. هلمز، تحلیل‌گر ارشد نشریه «واشنگتن‌تایمز» دو ماه پیش از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ در سرمقاله‌ی این نشریه نوشته بود: «تحریم به‌تنهایی کافی نیست. ما باید دیپلماسی عمومی را به نقض حقوق بشر در ایران متمرکز کنیم. جمهوری اسلامی به دلیل وجود اپوزیسیون داخلی، دچار نقاط ضعف شده و باید بر این نقطه فشار وارد کرد.»

روزنامه آلمانی ولت نیز چند هفته پیش از تصویب این قطعنامه می‌نویسد: «توان گروه‌های اپوزیسیون ایران برای تغییر رفتار مقامات این کشور کافی نیست. به همین علت است که غرب باید هم‌زمان تهدیدهای چندباره‌ی خود در اعمال تحریم‌های سخت علیه ایران را در پیش بگیرد.»

آدام ارلی سفیر آمریکا در بحرین که در دوران جرج بوش سخنگوی وزارت امور خارجه بود نیز می‌گوید: «کاخ سفید هم‌زمان با انجام مذاکرات ایران و ۵+۱ نحوه‌ی حمایت از رهبران معارض جدید در ایران را پیگیری می‌کند.» او همچنین تصریح کرد که اگر مذاکرات ژنو برای آمریکا موفقیت‌آمیز نباشد و در آن پیشرفتی حاصل نشود، آمریکا قصد دارد هم‌زمان با تهران را با حمایت رسمی، علنی و گسترده از رهبران معارض جدید، وسعت بخشد؛ چراکه هیچ فشاری به دولت ایران بدون تقویت جریان‌های طرفدار غرب در ایران کارساز نیست.»

استراتژیست‌ها و تحلیل‌گرانی که برای آمریکا تصمیم‌سازی می‌کردند نیز بر حمایت آمریکا از جنبش سبز و وارد آوردن فشار بر ایران تأکید داشتند و ری و پولاک دو استراتژیست آمریکایی در مقاله‌ای چنین می‌نویسند: «تشدید فشار بر رژیم ایران می‌تواند پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای تهران را به تأخیر اندازد. همچنین این قابلیت

ممکن است حتی بدون پیش‌شرط مذاکره کنیم. رویکرد موفقیت‌آمیز برای ایران باید با منافع امنیتی تهران و واشنگتن منطبق باشد.»

علاوه بر مقامات آمریکایی مسئولین دیگر کشورها پیش از فتنه ۸۸ به اینکه ایران را باید به عنوان یک قدرت پذیرفت اعتراف می‌کنند. برنارد کوشنر، وزیر خارجه‌ی فرانسه، در مصاحبه با شبکه‌ی «سی‌ان‌ان» می‌گوید: «فکر می‌کنم ایران کشوری بزرگ با تاریخی بزرگ است. اگر امروز بخواهیم از افغانستان سخن بگوییم، باید با ایران صحبت کنیم. اگر می‌خواهیم از خاورمیانه، عراق و سوریه سخن به میان آوریم، باید با ایران صحبت کنیم.»

عقب‌نشینی غرب تا آنجا ادامه پیدا کرد که اوپاما رئیس‌جمهور آمریکا چند روز پیش از انتخابات ۸۸ به رهبر معظم انقلاب نامه ارسال می‌کند و تأکید می‌کند که بدون حضور ایران هیچ موضوعی در خاورمیانه قابل حل نیست و خواستار مذاکرات همه‌جانبه با ایران شده بود.

بنابراین می‌توان گفت اگر چه ایران تا قبل از فتنه ۸۸ از سوی غرب مورد تحریم واقع شده است اما با مد نظر قرار دادن سیر تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال شده از اولین تحریمی که کارتر بخاطر تسخیر لانه جاسوسی دستور آن را داد و اموال ایران را بلوکه کرد تا تحریم‌های قبل از سال ۸۸ قطعاً به این نتیجه خواهیم رسید که هیچ کدام از این تحریم‌ها آن تحریمی نیست که جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا از آن به عنوان «سخت‌ترین تحریم‌های چند جانبه علیه ایران» یاد می‌کند.

اما پس از انتخابات سال ۸۸ و با آغاز آشوب‌های خیابانی که فتنه ۸۸ را آغاز نمود به یکباره موضع غرب علیه ایران تغییر پیدا کرد آنها که حاضر شده بودند ایران را به عنوان یک قدرت بپذیرند روزنه‌ای را در سد نفوذ ناپذیر جمهوری اسلامی دیدند که با موج فتنه ایجاد شده بود و در همین راستا تنها پس ده روز از آغاز فتنه کنگره آمریکا علیه ایران شش قطعنامه را به تصویب می‌رساند و مسئولین غربی که تا پیش از آن از لزوم پذیرش ایران بعنوان یک قدرت گفته بودند حال هر کدام با اظهاراتی مداخله‌جویانه علیه ایران و حمایت از فتنه‌گران از یکدیگر در وارد آوردن فشار به ایران پیشی می‌گرفتند.

اوپاما که هنوز جوهر نامه اش به رهبری خشک نشده بود اینبار به میدان می‌آید و از ایرانیان می‌خواهد تا به اعتراضات خود ادامه دهند و مشخصاً از میرحسین موسوی به عنوان رهبر معترضین که نماد غرب‌گرایی است یاد می‌کند. در واقع می‌توان گفت که فتنه آنقدر باعث تضعیف موضع ایران شد و غرب آنقدر آش فتنه را شور می‌بیند که ۱۶ روز پس از هتک حرمت به امام حسین (ع) در عاشورای دردناک سال ۸۸، پترائوس فرمانده نیروهای آمریکا در منطقه از لزوم حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران سخن به میان می‌آورد و در واقع این اولین بار است که اینقدر صریح و روشن غرب ایران را به حمله نظامی تهدید می‌کند.

به نوعی می‌توان گفت که فتنه ۸۸ باعث

پیش از فتنه کشور با سرعتی بالا در حال پیشرفت و قدرت‌های جهانی ایران را بعنوان یک قدرت منطقه‌ای که تأثیرات جهانی نیز دارد پذیرفته بودند و به صورت نرم با این واقعیت در حال کنار آمدن بودند تا اینکه فتنه ۸۸ اتفاق افتاد و تمام جامعه جهانی به این فکر افتاد که می‌تواند در برهه از زمان جمهوری اسلامی را سرنگون کند حتی برخی از فتنه‌گران برای اینکه بتوانند به اهداف شوم خود برسند حاضر شدند در برخی از موارد به غرب و آمریکا سر نخ مسائلی را بدهند که با استفاده از آن سر نخ‌ها غرب توانست فشار بیشتری را بر کشور وارد کند.

برای اینکه درک کنیم فتنه ۸۸ چقدر در وارد آمدن فشار بر کشور تأثیر داشته است می‌توان مروری داشت بر سیر فشاری که غرب پیش از فتنه ۸۸ با استفاده از تحریم‌های اقتصادی به کشور وارد کرده است.

جرج بوش در سال‌های آخر ریاست جمهوری پس از آنکه ایران را جزئی از محور شرارت خوانده و از حمله به ایران سخن گفته بود و قطعنامه علیه ایران به تصویب رسانده بود در روند مذاکرات هسته‌ای ایران با ۱۴۵ با این تصور که توانایی مقابله با پیشرفت هسته‌ای ایران را دارد و می‌تواند در رفتار ایران تغییر ایجاد کند با اعتراض به عدم تعلیق غنی‌سازی ایران و قرار دادن این پیش شرط برای مذاکرات که ایران باید در ابتدا غنی‌سازی خود را تعلیق کند از حضور نماینده آمریکا در روند مذاکرات جولگیری بعمل می‌آورد.

اما جرج بوش در پایان دوره خود به این نتیجه رسید که پیش شرط او نه تنها توقیفی در پیشرفت صنعت هسته‌ای ایران ایجاد نمی‌کند بلکه جلوی پیشرفت مذاکرات را هم نمی‌تواند بگیرد به این ترتیب در مذاکرات ژنو یک نماینده خود که معاون وزیر امور خارجه بود را به مذاکرات فرستاد تا عقب‌نشینی خود از موضعش را نشان دهد.

رایس وزیر امور خارجه آمریکا در این رابطه اعلام کرد که «آمریکا دشمن ابدی ندارد» و تحلیل‌گران بین‌المللی نوشتند: «حضور آمریکا در مذاکرات نشان دهند یک چرخش حیرت‌آور در سیاست خارجه آمریکا در قبال ایران است.» این در حالی بود که جرج بوش پیش از این ایران را محور شرارت خوانده بود و حالا حاضر بود نماینده آمریکا بدون پیش شرط پای میز مذاکرات بنشیند این اولین نشانه‌ای بود که نشان می‌داد غرب و آمریکا آنهم در دولت جرج بوش جمهوری خواه ایران را به عنوان یک قدرت پذیرفته و باید با آن به توافق برسد.

البته این تنها نشانه نبود برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا که نقش به‌سزایی در پیروزی اوپاما داشت نیز اعتقاد داشت که «دوران حماقت ابرقدرتی آمریکا به پایان رسیده است. درباره‌ی ایران و برنامه‌ی هسته‌ای ایران نیز ما به رویکرد واقع‌گرایانه، منعطف‌تر و منطقی‌تر نیازمندیم. ما باید مذاکره کنیم. ما



For a bunch of dollars
بخاطر یک مشت دلار

را دارد تا مشکلات و تنش‌های جدیدی را در نظام ایران به وجود آورد. ضمناً می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای افراد میانه‌رو در ایران فراهم سازد که بیشتر علاقه‌مندند تا در بحث هسته‌ای و سایر رفتارهای درس‌آفرین تهران، مثلاً حمایت از گروه‌های تروریستی، با جامعه‌ی بین‌المللی مصالحه نمایند. همچنین می‌تواند فرصت مناسبی را برای احیای توان جنبش سبز به وجود آورد.»

بنابراین آنچه از این اظهارات و نوشته‌ها می‌توان برداشت نمود این است که با رخ دادن فتنه ۸۸ غرب به این موضوع که می‌تواند با جمهوری اسلامی مقابله کند در حالی که تا پیش از این امیدش را از دست داده بود امیدوار شد و سعی کرد با وارد آوردن فشار اقتصاد سنگین و حمایت از سران فتنه و اپوزیسیون داخلی یا در صدد سرنگونی نظام برآید و یا اینکه در نگاهی حداقلی تر باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی شود. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: «کسانی که فتنه‌ی سال ۸۸ را شروع کردند - حالا یا خودشان طراحی کرده بودند، یا دیگران طراحی کرده بودند؛ نمی‌خواهیم نسبتی بدهیم، ولی به هر حال این فتنه طراحی شده بود - به کار کشور ضربه‌ی سختی زدند. اگر این فتنه نبود، بلاشک کارهای گوناگون کشور بهتر پیش می‌رفت. اینها دشمنان را امیدوار کردند و روحیه دادند به کسانی که علیه نظام اسلامی جبهه‌بندی کرده‌اند و یک جبهه‌ای تشکیل داده‌اند.»

بنابراین می‌توان گفت فتنه‌گران و سران آنها یکی از بزرگترین خیانت‌ها را به کشور کرده‌اند و باعث شده‌اند کشور از مسیر پیشرفت و سرعت قدرتمند شدن در جامعه بین‌المللی خارج شود و علاوه بر آن مردم کشورشان توسط تحریم‌های غرب زیر فشار قرار بگیرند که این یک جرم و خیانت بزرگ فتنه‌گران به کشور و به همین دلیل باید مقابل آنها برای نفوذ به عرصه‌های سیاسی کشور ایستاد.